

آیا آوردن قافیه قبل از ردیف ضروری است؟

عطا محمد رادمنش

کرده‌اند و یا در دو بیتی مردّف زیر که «سنَدَل» با «اسکندر» قافیه شده است:

سرم درد^۷ می‌کند سنَدَل بیارید

حکیم از ملک اسکندر بیارید...^۸

یا:

الهی وا کیشم وا کیشم

مو که بی دست و پایم وا کیشم

همه از در بروند وا تو آیم

تو گر از در برونی وا کیشم

باباطاهر، ص ۳۵، دوبیتی ۶۹

همه علمای بلاغت ردیف را آن می‌دانند که بعد از روی^۱ یا قافیه می‌آید؛ بنابراین آوردن قافیه را قبل از ردیف ضروری می‌دانند؛ ولی شواهدی - نه چندان کم - حاکی از آن است که شاعران در برخی موارد چندان خود را مقید به قافیه نکرده‌اند^۲؛ این عدم تقدیر به احتمال از آن روست که تکرار و نغمه ردیف، نبود قافیه را نامحسوس و جای خالی آن را پر کرده است و شاید بتوان گفت که ردیف به منزله قائم مقام آن و شعر به جای قافیه بیرونی دارای قافیه درونی می‌باشد.^۳

شعر هشت هجایی بلخیان - نه به معنی متعارف آن - در هجو اسدبن عبدالله^۴ (حاکم خراسان که از امیر ختلان و خاقان ترک شکست خورده): از ختلان آمذیه / به رو تباه آمذیه / آوار باز آمذیه / بیدل فراز آمذیه، از گونه اشعار بی قافیه است.

نبود قافیه در پاره‌ای از اشعار فهلوی بویژه در دوبیتی‌ها - که بازمانده اشعار دوازده هجایی ساسانی است - وجوب قافیه را قبل از ردیف نفی می‌کند:

خو سروان ساءه، وی ته خوش نی

Xov-e sarvan-e saeh, vi ta xush ni

اج اولان، رنگ اووی بوی ته خوش نی

aj olan, rang, avi buye ta xush ni

خوره مو نیا، کی وی ته ران ساهتن

xurah, mu, nya, ki vita, ran sahtan

خوش هباکش دَ وازوی ته خوش نی

xosh ha, bskash, da vazuye ta xush ni

برگردان به فارسی

غنودن زیر سروان، بی تو خوش نیست

ز گلهای رنگ، بی بوی تو خوش نیست

مبادم کام راندن بی تو خرم

خوش‌ها باکش^۵ ز بازوی تو خوش نیست^۶

«آزاد بودن قوافی از مختصات دوبیتی‌هاست که

بنا به عادت قدیم میزان قافیه را آهنگ کلمه قرار

داده‌اند، نه حرف؛ چنانکه «یار» و «مال» را قافیه

۱- حرف آخرین کلمه قافیت چون از نفس کلمه باشد آن را روی خوانند. (شمس‌الدین قیس رازی، المعجم فی معاییر اشعار العجم، ص ۲۰۴).

۲- مولوی هم ناخشنودی خود را از قافیه پنهان نکرده است: قافیه و مغلطه را گو همه سیلاب ببر

پوست بود پوست بود، درخور مغز شعرا

کلیات شمس، ج ۱، ص ۳۱، غزل ۳۸.

۳- غزل مولوی با ابیات آغازین:

بی همگان به سر شود بی تو به سر نمی‌شود

داغ تو دارد این دلم جای دگر نمی‌شود

دیده عقل مست تو چرخه چرخ پست تو

گوش طرب به دست تو بی تو به سر نمی‌شود

جان ز تو جوش می‌کند دل ز تو نوش می‌کند

عقل خروش می‌کند بی تو به سر نمی‌شود...

کلیات شمس، ج ۲، ص ۱۷، غزل ۵۵۳

۴- محمدبن جریر طبری، تاریخ طبری، (ج ۱۰)،

صص ۴۲۰۳ - ۴۱۸۱، همچنین، ذبیح‌الله صفا، تاریخ ادبیات

در ایران، (ج ۱)، صص ۱۴۹ - ۱۴۸.

۵- باکش: واکشیدن، راندن، پس زدن.

۶- رکن‌الدین همایون فرخ، تاریخ هشت هزار سال شعر

ایرانی، (ج ۲)، صص ۷۹۶ - ۷۹۵.

۷- وزن این بیت در مصراع اول با اسقاط «د» در کلمه «درد»

درست می‌شود.

۸- رکن‌الدین همایون فرخ، همان، ج ۲، صص ۷۰۱ - ۷۰۰.

یا:

به این بی‌آشنایی بر کیشم

به این بی‌خانمانی بر کیشم

همه‌گر مو برون و آه آیم

ته از درگر برونی و کیشم

همان، ص ۳۵، دوبیتی ۷۰

و یا:

ز نطنز آمد رخت خرد ما ز نطنز

ز نطنزم ز نطنزم ز نطنز

ادیب نطنزی، شاعران بی‌دیوان، ص ۶۲۶، ب ۱۵

در آثار گرانسنگ شعر فارسی، اشعار مردّف

بی‌قافیه کم نیست، تعداد کمی از آنها دارای نسخه

بدل مقفاست. افزون بر دوست مورد از این قسم

اشعار استخراج شده است؛ این همه شاهد و نمونه

را نمی‌توان ناشی از سهو و غفلت شاعران یا

ناسخان دانست؛ همچنان‌که به صحت بدل‌های

مصرّع آن ابیات نیز نمی‌توان کاملاً اعتماد داشت.

بر همین پایه نباید رعایت قافیه قبل از ردیف را از

مسلمات و اصول خدشه‌ناپذیر علم قافیه برشمرد؛

شواهدی از این قبیل آورده می‌شود:

وز انگشت شاهان سفالین نگین

بدخشانی آید به چشم نگین

ابوشکور بلخی، شاعران بی‌دیوان، ص ۹۲، ب ۱۳۶

تا تو را رفتن ای جان پدر آیین گشت

مر مرا ریختن آب مژه آیین گشت

یوسف عروضی، همان، ص ۳۴۹، ب ۷

زر ز پیرو سبک برون آورد

داد درویش را و خوب آورد

بهرامی سرخسی، همان، ص ۴۰۵، ب ۱۲

نکو داستان زد درین مرد نیک

که از راستی یافتم نام نیک

بدیع بلخی، همان، ص ۵۰۸، ب ۱۱۱

که بیکاری اندیشه بار آورد

ز کشته گلت خار بار آورد

همان، ص ۵۱۶، ب ۳۱۳

ستاخی^۹ برآمد از بر شاخ درخت عود

ستاخی ز مشک و شاخ ز عنبر، درخت عود (۹)

رودکی، ص ۱۳۴، ب ۷۰۰

بر تو رسیده بهر دل تنگ چاره‌ای

از حال من ضعیف بیندیش چاره‌ای

همان، ص ۱۴۹، ب ۸۰۴

با صد هزار مردم تنهایی

بی صد هزار مردم تنهایی

همان، ص ۱۸۹

نیز همان: ۱۵۳/۸۳۱/۱۶۶، ۹۳۰/۱۸۹/۱۰۴۱

کسی کش غلبه دارد خونش آن به

که هر وقتی که باشد رگ زند به

دانشنامه میسری، ب ۳۱۹۵

از ایشان این دو آیین و نشانست

که هر دو بر نویشان بر نشانست

همان، ب ۴۱

از این هر دو هنر پیدا کنم من

یکایک خوب پس بنمایم من

همان، ب ۱۰۶

نیز همان: ب ۱۱۰، ۱۷۲، ۲۲۰، ۳۱۵، ۴۰۲، ۵۱۸، ۵۲۹،

۶۰۷، ۶۰۸، ۶۸۷، ۷۷۴، ۹۲۷، ۹۵۸، ۱۱۵۶، ۱۲۱۳، ۱۲۶۹،

۱۵۵۸، ۱۸۰۶، ۲۰۵۶، ۲۰۶۳، ۲۲۴۱، ۲۳۷۹، ۲۴۱۹، ۲۴۷۶،

۲۵۲۱، ۲۶۶۶، ۲۸۱۳، ۲۹۰۰، ۳۰۰۰، ۳۰۲۸، ۳۰۵۲، ۳۲۹۸،

۳۷۹۷، ۳۸۳۲، ۴۰۳۸، ۴۰۴۸، ۴۰۵۹، ۴۲۳۸

درود جهان‌آفرین بر تو باد

خم چرخ گردان زمین تو باد

شاهنامه، ج ۱، ص ۱۷۱، ب ۵۴۲

ز خارا بکنند لختی^{۱۰} اگران

ندیده مر آن کار بد راگران

همان، ج ۱، ص ۲۵۲، ب ۱۶

نهانی که دارد بگوید به ما

همان چاره آن بجوید ز ما

همان، ج ۵، ص ۳۸۳، ب ۲۴۹۰

همه سال بسته میان را به کین

بیاسود یک دم ز رزم و ز کین

همان، ج ۵، ص ۴۲۲، ب ۹

نیز همان: ج ۲: ۱۴۲/۲۴۶، ج ۳: ۲۲/۲۹۳، ۲۹۳/۳۰

۱۳۷۱/۸۹، ج ۴: ۱۰۱/۱۴۴۲، ۱۹۱/۲۲۱، ج ۵: ۲۵۴/۳۱۴

۹- ستاخ: شاخ درخت نوچه نازک را گویند: (برهان)؛ همین

بیت در «لغت‌نامه» به‌عنوان شاهد واژه آمد.

۱۰- نسخه بدل: سنگی.

نیز همان: ۲۲۴ / ۶۰ / ۳۰۶ / ۳۱ / ۳۰۹ / ۹۱ / ۳۰۶ / ۴۴ / ۳۶۳ / ۵۱ / ۳۸۱ / ۸۴ / ۴۱۲ / ۴۱ / ۴۴۴ / ۱۱۱ / ۴۴ / ۴۴ / ۴۸۰

هر که او را زار خواهد جاودانه زار باد
هر که او را شاد خواهد جاودانه شاد باد
قطران، ترکیب‌بند، ص ۴۲۹، بند ۱۰
آن را که چو من ابر گهر باد بود
برداشتنه از ابر گهر بار بود
آن نخلی را که آن گهر بار بود
بر درگه تو بحر گهر بار بود
همان، ص ۵۲۹، رباعی ۵
نیز همان: ص ۵۲۳، رباعی ۲، ص ۵۲۲، رباعی ۵
به صورت زنده لیکن جان ندارند
دگر دارند جان آن جان ندارند
روشنایی‌نامه، ص ۵۳-۱۲
ز تو جز بندگی کردن نیاید
ازو خود جز خداوندی نیاید
سعادت‌نامه، ص ۵۴۵، ب ۸
نیز همان: ۵۴۹ / ۲۰ / ۵۵۸ / ۴
از گردش روزگار بهری برگیر
بر تخت طرب نشین و ساغر برگیر
از طاعت و معصیت خدا مستغنی ست
باری تو سرا و خود ز عالم برگیر
خیام، ص ۷۱، رباعی ۲۴۳
نیز همان: ص ۲۳، رباعی ۵۰، ص ۶۰، رباعی ۱۹۶
مرا نیست فرمان که که لؤلؤ برم
در آید به ایران، چگونه ش برم
بهم‌نامه، ب ۵۵۵
روان کرد خورشید مینو سپاه
جهان تیره‌گون شد ز گرد سپاه
همان، ب ۳۰۱۶
شما بزم سازید و شادی^{۱۱} کنید
بخوانید گردان و شادی کنید
همان، ب ۷۴۱
جهانجوی فرمود تا مرد گنج
یکی بدره دینار آرد ز گنج
همان، ب ۲۲۹
نیز همان: ب ۱۲۴۱، ۲۲۰۴، ۲۳۵۴، ۲۶۸۵، ۳۰۴۵

۳۱۵، ۱۲۳ / ۱۴۳، ۶۷ / ۱۴۰: ج ۶، ۲۷۲۸ / ۳۹۶، ۳۵۸ / ۱۰۶
۱۵۶۳، ۱۸۲ / ۳۵۳، ج ۷، ۱۵۴۲ / ۳۹۲، ج ۸، ۷۵۷ / ۹۷
۱۷۸، ۷۹۸ / ۱۷۸، ۲۱۳۵ / ۳۰۲، ۴۲۴۹ / ۳۰۲، ۵۸ / ۳۱۸، ج ۹، ۱۳۴ / ۲۵۰۲ / ۱۵۷، ۲۱۰۹
نباشد تو را در جهان هیچ نام
که این بی پدر می شود زنده نام
برزنامه، ب ۳۴۲۸
که گر بی تو هرگز بوم شاد کام
وگر بینم از هیچ کس جز تو کام
عبوقی، ورقه و گلشاه، ص ۵۵، ب ۱
پدر گفت نی عهد را بسته ام
ابا ورقه پیمان او بسته ام
همان، ص ۷۰، ب ۱
نیز همان: ۱۵ / ۶۵، ۱۵ / ۷۵، ۱۷۶، ۱۰۰ / ۱۰۰، ۱۵ / ۱۰۹
۱۱ / ۱۲۰، ۱۵ / ۱۱۸، ۱ / ۱۱۴
من دوش دعا کردم و باد آمینا
تا به شود آن دو چشم باد آمینا
از دیده بدخواه تو را چشم رسید
در دیده بدخواه تو باد آمینا
ابوسعید، ص ۴، رباعی ۲۶
این آینه را داده جلا صورت تو
یک آینه کس ندید بی صورت تو
نی نی که ز لطف در همه آینه‌ها
خود آمده‌ای به دیدن صورت تو
همان، ص ۸۱، رباعی ۵۵۲
نیز همان: ص ۸۲، رباعی ۱۰۷، ب ۶
برادر گر نبودت پشت و یاور
بست پشت ایزد و اقبال یاور
ویس و رامین، ص ۱۰۲، ب ۳۹
چو از ره اندر آمد نامه آن روز
شهنشه نیز باز آمد دگر روز
همان، ص ۲۱۲، ب ۴۰
نیز همان: ۵۳ / ۲۷۲، ۶ / ۴۰۹
بسی پیکر مردم و مرغ و باز
ز گردش میان هوا پر باز
گرشاسب‌نامه، ص ۱۹۱، ب ۶
به پیلان بر از زورش آواز کوس
غریوش چو اندر گه آوای کوس
همان، ص ۲۸۵، ب ۴۴

۳۶۰۵، ۳۵۲۹، ۳۳۸۵، ۳۱۹۹، ۳۱۶۴، ۳۰۸۲، ۳۰۵۴، ۳۰۵۰
۵۰۳۵، ۵۰۲۸، ۵۰۰۳، ۴۲۶۳، ۴۲۳۶، ۴۰۸۱، ۳۸۷۷، ۳۸۴۲
۷۲۷۸، ۷۰۰۰۸، ۶۹۴۴، ۶۴۷۲، ۶۰۲۶، ۵۷۴۳، ۵۰۵۷، ۵۰۴۴
۹۸۷۴، ۹۸۲۰، ۹۱۶۲، ۸۵۸۶، ۸۲۳۸، ۸۰۲۷، ۷۹۵۲، ۷۸۶۳
۱۰۲۷۴، ۱۰۲۴۹، ۱۰۲۴۵، ۹۹۸۶

تا ز فرزین پدید باشد شاه

شاد باش ای بلند همت شاه

عثمان مختاری، مثنوی، ص ۷۳۳، ب ۱۲

که بر شیر چون مرگ روی آورد

گذر سوی نراژدها آورد

همان، ص ۸۱۹، ب ۲۱

نیز همان: ۱۳/۸۲۳، ۵/۸۴۲

عاشق ناز یار باید بود

در همه کار یار باید بود

گر همه راحت و طرب طلبی

رنج بردار یار باید بود

سنایی، ص ۹۰۵، غزل ۱۸۲

ای سنایی دل ده و در بند کام خود^{۱۲} مباش

راه رو چون زندگان چون مرد بر منزل مباش

نیز همان: ص ۸۳۶، غزل ۷۵، ص ۸۶۷، غزل ۱۲۴، ص ۸۸۸،

غزل ۱۵۳، ص ۹۳۰، غزل ۲۲۶، ص ۹۶۰، غزل ۲۷۵، ص ۹۸۳،

ب ۱

مصلحت را ز بهر عالم داد

هر چه گوشش ستد زبانش داد

حدیقه، ص ۱۱۹، ب ۸

بر توکل زَنیش رهبر^{۱۳} بود

که ز رزاق خویش آگه بود

همان، ص ۱۱۸، ب ۲

نیز همان: ۱۱/۱۳۶، ۱۲/۲۱۱، ۷/۲۸۱، ۱۰/۴۰۵، ۱۰/۴۲۵،

۱۹، ۸/۱۳۰، ۹/۳۱۷، ۱۶/۳۲۹، ۳/۴۹۶، ۱۰/۵۰۶ و ۱۲،

۲/۵۲۳، ۴/۵۳۰، ۱۵/۶۰۸، ۱۲/۶۱۷، ۱۴/۶۲۹، ۱۷/۶۵۲،

۶/۶۵۸، ۷/۶۵۹

عشق تا هست ز ابتدا پیوست

به عتاب و کرشمه در پیوست

سنایی، عشق نامه، ص ۳۲، ب ۲۶۸

نیز همان: ۴۵/۵۲۲ و ۵۲۸

از دو چشمم سرشک خون بچکد

از دل سنگ خاره خون بچکد

سنایی، سنایی آباد، ص ۷۶، ب ۴۷۱

تا در آن کارگاه کارگر است

تا بر آن آستانه جلوه گر است

سنایی، طریق التحقیق، ص ۹۴، ب ۵۹

نیز ب: ۵۱۴، ۵۶۰، ۷۱۲، ۸۱۹.

تیزبینان گُند چشم همه

تیره رایان خیره چشم همه

سنایی، سیرالعباد، ص ۱۹۴، ب ۲۰۱

نیز همان: ب ۲۴۲، ۳۲۷

ای چرخ فلک قد به خم از زلف توام

در دوخته تا جامه ماتم ز توام

سید حسن غزنوی، ص ۳۳۹، رباعی ۱۱۹

در جهان تا کریم و مکرم بود

از مدیحم تهی نبود جهان

دهن من تهی از آن مانده ست

کز کریمان تهی شده ست جهان

ادیب صابر، قطعه ص ۴۴۹

نیز: قطعه ص ۳۱۹، غزل ص ۳۳۲

قطب ملوک نصرت دین شاه تاجبخش

کز لطف حق رسیده بدو تخت^{۱۴} تاجبخش

ظهیر فاریابی، ترکیب بند، ص ۲۵۴

ای شاه گر آنچه می توانی نکنی

زین پس بجز از دریغ و آوختن نکنی

اندر رمة خدای، گرگ آمد گرگ

هیئات اگر توشان شبانی نکنی

انوری، ص ۱۰۳۹، رباعی ۴۳۱

ای کوکب عالی دَرَج، وصلت حرام ست و حَرَج

ای رکن طاعت همچو حج، الصبر مفتاح الفرج

عاشق بسی گوید همی، رُخ را به خون شوید همی

شاعر چنین گوید همی، الصبر مفتاح الفرج

سنایی، ص ۸۳۶، غزل ۷۵

۱۲- نسخه بدل: دل.

۱۳- نسخه بدل: همره.

۱۴- نسخه بدل: به درگاه.

فهرست مآخذ (کارمایه‌ها)

- ابوسعید ابوالخیر. **سخنان منظوم**؛ به تصحیح و مقدمه سعید نفیسی، انتشارات سنایی، چ ۵، تهران، ۱۳۷۳ ه.ش.
- ادیب صابر ترمذی، شهاب‌الدین ادیب. **دیوان ادیب صابر ترمذی**؛ به تصحیح و اهتمام محمدعلی ناصح، انتشارات مؤسسه مطبوعاتی علمی، چاپ افست، چ ۱، تهران.
- اسدی توسی، ابونصر علی. **گرشاسب‌نامه**؛ تصحیح حبیب یغمایی، انتشارات کتابفروشی بروخیم، چ ۱، تهران، ۱۳۷۱ ه.ش.
- انوری ایبوردی، اوحدالدین. **دیوان انوری**؛ به اهتمام مدرس رضوی، انتشارات علمی فرهنگی، چ ۳، تهران، ۱۳۶۴ ه.ش.
- ایران‌شاه‌بن ابی‌الخیر. **بهم‌نامه**؛ ویراسته رحیم عفیفی، انتشارات علمی و فرهنگی، چ ۱، تهران، ۱۳۷۰ ه.ش.
- باباطاهر همدانی. **دیوان باباطاهر عریان همدانی**؛ تصحیح وحید دستگردی، انتشارات ابن‌سینا، تهران، ۱۳۷۴ ه.ش.
- خیام، حکیم عمر خیام. **رباعیات خیام**؛ به اهتمام علی‌یف و عثمانوف به رهبری برتلس، انتشارات ادبیات خاور، چ ۱، مسکو، ۱۹۵۹ م.
- رودکی سمرقندی، ابو‌عبدالله جعفر. **دیوان رودکی**؛ بر اساس نسخه سعید نفیسی و براگینسکی، انتشارات نگاه، چ ۱، تهران، ۱۳۷۳ ه.ش.
- سنایی غزنوی، ابوالمجد مجدود بن آدم. **حدیقه‌الحقیقه**؛ تصحیح و تحشیه مدرس رضوی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۶۸ ه.ش.
- سنایی غزنوی. **دیوان سنایی**؛ به سعی و اهتمام مدرس رضوی، انتشارات کتابخانه سنایی، چ ۳، تهران، ۱۳۶۲ ه.ش.
- حکیم سنایی غزنوی. **مثنویهای حکیم سنایی**؛ تصحیح و مقدمه مدرس رضوی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۶۸ ه.ش.
- سید حسن غزنوی، اشرف‌الدین ابومحمد حسن. **دیوان سید حسن غزنوی**؛ تصحیح مدرس رضوی، انتشارات اساطیر، چ ۲، تهران، ۱۳۶۲ ه.ش.
- شمس‌الدین قیس رازی. **المعجم فی معاییر اشعارالعجم**؛ تصحیح محمد قزوینی با مقابله و تصحیح مدرس رضوی، انتشارات کتابفروشی تهران.
- صفا، ذبیح‌الله. **تاریخ ادبیات در ایران**؛ چ ۱، انتشارات ابن‌سینا، چ ۱، تهران، ۱۳۵۱ ه.ش.
- ظهیر فاریابی، ظهیرالدین طاهر. **دیوان ظهیر فاریابی**؛ به کوشش تقی بینش، انتشارات کتابفروشی باستان، چ ۱، مشهد، ۱۳۳۷ ه.ش.
- عثمان مختاری، حکیم ابو‌عمر. **دیوان عثمان مختاری**؛ به اهتمام جلال‌الدین همایی، انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۴۱ ه.ش.
- عطایی رازی. **برزونامه**؛ (ضمیمه زندگینامه فردوسی و سرگذشت شاهنامه) به کوشش سیدمحمد دبیر سیاقی، انتشارات علمی، چ ۱، تهران، ۱۳۷۰ ه.ش.
- عیوقی. **ورقه و گلشاه**؛ تصحیح ذبیح‌الله صفا، انتشارات فردوسی، چ ۲، تهران، ۱۳۶۲ ه.ش.
- فخرالدین اسعد گرگانی. **ویس و رامین**؛ ماگالی تودوا، الکساندر گواخاریا؛ انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، چ ۱، تهران، ۱۳۴۹ ه.ش.
- فردوسی؛ حکیم ابوالقاسم. **شاهنامه**؛ تصحیح اسمیرنوا، برتلس، گوزلیان، عثمانوف، علی‌یف، طاهر جانوف، انتشارات دانش، شعبه خاور، مسکو، ۱۹۷۱-۱۹۶۵ م.
- طبری؛ محمدبن جریر. **تاریخ طبری**؛ چ ۱۰، ترجمه ابوالقاسم پاینده، انتشارات اساطیر، چ ۲، تهران، ۱۳۶۳ ه.ش.
- قطران تبریزی، حکیم ابو‌منصور. **دیوان قطران تبریزی**؛ از روی نسخه تصحیح‌شده محمد نخجوانی، انتشارات ققنوس، چ ۱، تهران، ۱۳۶۲ ه.ش.
- مدبری، محمود. **شاعران بی‌دیوان (تألیف و تصحیح)**؛ انتشارات پانوس، چ ۱، تهران، ۱۳۷۰ ه.ش.
- مولوی، مولانا جلال‌الدین. **کلیات شمس**؛ تصحیح بدیع‌الزمان فروزانفر، انتشارات امیرکبیر، چ ۳، تهران، ۱۳۶۳ ه.ش.
- مسیری (حکیم). **دانشنامه در علم پزشکی**؛ به اهتمام برات زنجانی، انتشارات دانشگاه تهران، چ ۲، تهران، ۱۳۶۷ ه.ش.
- ناصر خسرو، حکیم ابومعین. **روشنایی‌نامه (منسوب)**؛ ضمیمه دیوان ناصر خسرو، به اهتمام مجتبی مینوی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۶۷ ه.ش.
- ناصر خسرو، حکیم ابومعین. **سعادت‌نامه (منسوب)**؛ ضمیمه دیوان ناصر خسرو، به اهتمام مجتبی مینوی، انتشارات دنیای کتاب، چ ۲، تهران، ۱۳۶۷ ه.ش.
- همایون فرخ، رکن‌الدین. **تاریخ هشت هزار سال شعر ایرانی**؛ چ ۲، نشر علم، چ ۱، تهران، ۱۳۷۰ ه.ش.